

شهادت بر خستگان مطلع دیوان کتلا بریده شده استغفر الله من این کار چون نیر و بخت و عجز و غنا و
 انصاف نصیب نیست حکایتی که این بهر میرز زبان زو محافل و در اسناد و اندک و رش و همی استم کز
 عمارت باغازه کار کن طبع بد بکلیه خسار سازم نیز خندان جالب گفته بخبر کیکه در باغ غنای برادر او
 کشاده اند و شاید آن مغرور پیشگاه او جلوه داده و فرستاده و سطره عفو قصور کنیم و نیز پاره از زاد باطن ناقص که چون
 شیر خوار کان از کج مجز را از مغرور خیز زده ام از طبق غزل بطبق که از شن هم تم الدعا والدعا

1568
 19/2

۲۲۷۷

۲۲۷۷

15680
1942

مناظره شیخ محمد امیر دهلوی با نازک که از اجام لکنیور

من منت شیخ محمد امیر دهلوی

هند و زادگاه مایه دار فرایند نقد استعداد که بهر حسن و قبح اوقات غریز در تحصیل دولت بازو ال علوم و ادب
صرف نمیکند و بهر حال که سودا و فایده معتدیه افراد فرقه مذکور را چون دولت مستعد است
بیشتر است و بعضی احاد و اشخاص طوره که باند از حصول مراتب فائده علمیه الاقران و انکسافضایا استلزام
بجان دول مجبور و مبرور و بهر طبع بکار دارند آخر الامر رتبه قابلیت کامل به آن رسیده و ترناده چه اولاً
این مردم کم قدر و در ار استحقاق فاضل به اسماست و وقت گو که بدریافت درجات کمال علوم انسانی
فاضل شوند و ثانیاً بالفرض اگر باستیفای علم احد بهر به یا شود و پایا بهر خوش نشینان فضل به ترسد و در خود
فصح بیان چه حرفی که مج زبان از زمره منقذ و مندان اگر هزار در عصر و نه در پاست تعصبا او تحقیر در دنیا اعتبار

15680 +
~~1971~~

DR. ABDUSSATTAR SIDDIQI
COLLECTION.

جامعہ ہندوستان
JAMIA HIND
CENTRAL LIBRARY
DELHI

جامعہ ہندوستان
JAMIA HIND
CENTRAL LIBRARY
DELHI

JAMIA HIND
CENTRAL LIBRARY
DELHI
2427
ACC No
Date 20.1.05

فما ان کتاب معلول و استخراج مدارک مجهول تا یا حکما متقدمین و علمای متاخرین در این نفس باطنیه بقیه کفر و اسلام
عده مجهول و فرقه گشته و علمیان بر این تکیه افراشته اند و ما را فرشته تا به تحصیل علوم مقصود است و تکیه
نفس و معرفت و ذرات واجب قله غایت است اگر کثرت ممارست صناعات رزیه باشد مصدور و اهل علم و کمال
در صورت کتاب علوم متعارف بر هر فرد بشر از اصناف فریقین واجب است که علم جوهریت شریف و دولتیست
تا تواند تحصیل حسن عدم فضیلت که در شان آن کمال لایزال تصور و تصدیق منسوب است مسموع و موفور به کار و ترجیح استعداد
فردارج انفسار و العلا و معوج استحقاق علی معارج الحق و الهدی و طلبه یانین که در و هم و مکان بعضی از رزکان انفسار
خود را در مذکره بحث علم و حکم که از تعلیم و تعلم بر می آید و یقین باطنیه اندیش که از فرشت حسی فانی تر جزیر که اصل او بر
بصیر و الا قدر ضمایم علم شکران شده و ما عظامه لا اعیان بنانین و جبرین و جهه و اوند سنانند چه حکما بالاتفاق بر آن
که افراد بشر از انواع دیگر موجودات تقدم الشرف و ترجیح بقضای نام است پس اگر در تحصیل علوم قصور و ردد و سیر
شمار آدمی نیست یا به در زمره بهایش توان شمر و محقق طوس در بیان اینست حضرت ایشان که قوت و کمال و لزوم دار
بدلای قاطعه اطلاق متفق تحقیق بسیار التعمیم بر کرده بشرط تخصیص که مقتدا اسلام توان کرد و نیز است که
این در فتح ابواب به ارکان عالم و عالمیان که تفصیل به بحث و اتفاق است بختیاق اشاره ابر و صاحب الکرام
مختصر داشته و این کرده حکمت پر و ده پیوسته تقطع منازل علوم غریبه و طرر احاط فنون و مشغول اند اما الله اعلم
سر و کار با ایمان که خلفا عیسین بر می عینها اسلام گفته شوند ندارند و از تاجیح من فتم قاصد که بر درازند

اعتبار سیدین احقر بایر که است و کانندار که فاضلش بود و در پرتیران سر و کلاهش
 پس شایسته صاوت قوم بود و او را بجهت که سال صر و نحو منط و غیره معلومات ضروری را او گفته در سال
 فخری ۱۰۸۰ در شهر تبریز و در آنجا در آن وقت کامیاب مقاصد و نیاز کرده و بخشش از آن
 در بادیه وسیع تلاش بجز در است پریشان نموده و در صورتیکه او بخشش واسطه گشته و در نیاز
 و تعلیم طالبین و تدریس البصیرین و در این صنف بتلاصیب العین ضمیرشان بود و آنکه در این
 در بفر و شرا حلافت و اکثر تلامذه سعادت کیش بطیب خاطر و ضار خویش تفرقه یعنی باصفا امارت و الو
 در خدمت نهاد و قیام و اقدام نمایند در کفایت جانشین و شایسته فاضل و ایاها شایسته العلوم من الهی و اسود
 فزاد القراطس ان کتم من الله الشعور والاعتبار والافراخه فقه الریفه او ذوالعیار فکلم الخیار
 معراج صناع بالتحقیق کجس عدم البصاعت خود را کرم بار بار بتایمان نمیداد و کان باور
 بزعم انچه انان و بستان علم و هنر ترا فحار و بر طاور ساسا شایسته عیبه سلام شایسته علم و شایسته
 شایسته و نیز از اشخاص که بهینه ارشاد از تحصیل نعمت غیر ترقیه علوم باز مانده بود و کلیم حالت دراز
 و در بار معذرت بر و در خود با باز کرده اند و صحت را به تقیم صواب غلط نموده اند و تحقیق کار بخاطر نموده و تخصیص
 علم صرف و نحو منط و تقریب معاش و محظوظان از تر و دو تلاش که نتیج حساست و نیاز باشد در این
 مطبوع نماید علم فقه و طوره استحسان نداده و او را در کتب متداوله نقل است که وضع این علوم مخصوص است به حکام

THE ABDOUSSEMAN COLLECTION

۱۵۶۸۵
 ۱۹